

# برای هر کس يك مسکن مناسب

- داشتن يك مسکن مناسب برای زندگی حق طبیعی افراد کشور است .
  - دولت وظیفه دارد که برای تحقق این امر تدابیر مقتضی اتخاذ نماید ، و بر اساس اولویت زحمتکشان روستائی و شهری ، تدریجاً طبق نقشه سنجیده ای ، بر خورداری همه افراد را از این حق فراهم سازد .
- صفحه ۲

## در صفحات بعد میخوانید :

- امریکا از ضد انقلاب در افغانستان حمایت میکند (صفحه ۶ ستون سوم)
- آیا واقعا «قحط الرجال» است (صفحه ۴ - ستون اول)
- ندای حزب کمونیست لبنان به افکار عمومی جهان (صفحه ۶ - ستون اول)
- بجای تهدید ارتشيان انقلابی، ارتش را تصفیه کنید (صفحه ۶)
- «چپ» و راست به ضد انقلاب میدان عمل میدهند (صفحه ۴ - ستون اول)
- کارشناس نظامی و اسلحه آمریکائی (صفحه ۴ - ستون دوم)
- دریا - شعری از موج (صفحه ۶ - ستون اول)

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۸۵  
چهارشنبه ۲۰ تیر ماه ۱۳۵۸  
تک شماره ۱۵ ریال

## مجلس یاد بود برای بزرگداشت رفیق فقید محمد رضا قدوه



از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران مجلس یادبودی برای بزرگداشت رفیق فقید محمد رضا قدوه، عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، روز پنجشنبه ۲۱ تیرماه، ساعت ۷ بعد از ظهر در سالن ورزشی دانشگاه صنعتی برگزار میشود.

دفترخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۳۵۸/۴/۱۷

# دشمن اصلی انقلاب ایران، امپریالیسم تبهکار امریکاست

تحریرات در میان روشنفکران، روزنامه نگاران، روحانیون، کارمندان، کارگران و دهقانان دست میزند، پیشگوییها و غیب نمائیهای عجیب و غریب میکنند رهبران انقلاب، افراد سازمانهای بقیه در صفحه ۴

انقلاب ایران دشمنان رنگارنگ دارد که در هر صدهای گوناگون، گاه هماهنگ و گاه مجزا، بکار توطئه و تخریب علیه دستاوردهای انقلاب مشغولند، امپریالیسم جهانی، صهیونیسم، گردانندگان و وابستگان رژیم پیشین، جاسوسان ساواک و سیا و موساد و کارگزاران داخلی انصارات اروپائی و امریکائی که با انقلاب ایران منافع خود را از دست داده اند، اما در حلقه این دشمنان نابکار، امپریالیسم امریکا عمده ترین، تبهکارترین و خطرناکترین دشمن است. این دشمن در مرکز همه توطئهها و خرابکاریها علیه انقلاب ما قرار دارد، سر همه نیتها به آن میرسد، ام الفساد و محرک اصلی ضد انقلاب است. ارتش «دخالت سریع» تشکیل میدهد، با بیشرمی از «منافع» خود در خلیج فارس و کشورهای منطقه دم میزند و از زبان قره جاسوسان خود، انقلاب ما را به دخالت نظامی تهدید میکند، عوامل خود را در خارج از ایران سازمان میدهد و بمرزها و درون مرزهای ما میفرستد، تاور کسوت دوست و دشمن علیه انقلاب ایران عمل کنند، با استفاده از رسانه های گروهی کشورهای امپریالیستی علیه انقلاب ایران تبلیغ میکنند، و با استفاده از کارگزاران ساواک و سیا و موساد در داخل کشور، بانواع

## هشدار حزب توده ایران به مقامات مسئول کشور :

# ساواکی ها را از زندان ها آزادمی کنند!

■ هزاران مأمور ساواک، که آزادانه در میان مردم میگردند و اسامی رمز آنها هم کشف شده، باید افشاء و محاکمه شوند .

علاوه بر مأموران مسلح ساواک، هزاران مأمور خیرچهن ساواک که در بین مردم، در سازمانها، ادارات، دانشگاهها و محافل گوناگون فعالیت میکرده اند، همچنان دست نخورده باقی مانده اند. تعداد این مأموران را بین ۵ تا ۳۰ هزار نفر اعلام کرده اند. تهرانی، شکنجه گر معروف هم در دادگاه خود، تعداد آنها را ۸ هزار نفر دانسته است. رمز اسامی این افراد در هفته اول تیرماه کشف شد و این نتیجه بدست آمد که تعداد عوامل ساواک در ایران بسیار زیاد بوده و آنان در تمام سطوح کشور نقش فعالانه داشته اند. از جمله نفوذ عناصر ساواک در وزارتخانه ها و ادارات دولتی و سایر رشته های دیگر بوده است تا بتوانند اطلاعات بیشتری کسب کنند. (کیهان، ۶ تیر ۱۳۵۸) روشن است که حضور این دست پروردگان «سیاه»، که سالیان دراز فن مبارزه با مردم ایران را آموخته و بکار بسته اند، در شرایط حساس امروز کشور ما، در میان مردم، تا چه اندازه خطرناک است و ضد انقلاب چه بهره ای از آن برده، میبرد و خواهد برد.

این شبکه فعال می تواند برنامه ضد انقلاب را برای بدبین کردن توده مردم و از جمله اکثریت کارمندان که از برکت رژیم غارتگر آریامهری، وضع معیشتی بسیار بدی دارند، بخوبی اجرا کند. اشاره نخست وزیر به ناراضی و کم کاری در ادارات دولتی، گذشته از دلایلی چون وضع اقتصادی آشفته بعد از انقلاب، که میراث رژیم شاه مخلوع است و یکی از نموده های آن گرانی کالاهای مصرفی است، می تواند نشان دهنده فعالیت وسیع ضد انقلاب و متاسفانه موقعیت آن باشد. در واقع شبکه گسترده ساواک در ادارات، از عوارضی که میراث رژیم گذشته است، بهره برداری کرده، آنرا ناشی از انقلاب قلمداد میکند و میکوشد کارمندان، بویژه کارمندان متوسط و پائین را، که در صفوف انقلاب رزمیده اند و با اعتصابات خود به رژیم سابق لطمه بزرگی زده اند و اکنون بحق خواهان بهبود وضع زندگی خود هستند، به انقلاب و رهبری آن بدبین کند .

شبح ساواک، هنوز از خاک ایران رانده نشده است. با اینکه انقلاب بزرگ مردم ایران، دستگاه جهنمی ساواک را درهم شکست، گروهی از کارگزاران و جلادان آنرا فراری داد و جمعی را به دادگاههای انقلاب سپرد، اینجا و آنجا، خبرهای متعددی از اعمال ساواک و حتی تجدید سازمان برخی ادارات آن شنیده میشود. اظهارات مقامات مسئول هم در موارد زیادی، این خبرها را تأیید میکنند.

اما معلوم نیست چرا اقدام قاطعی برای ریشه کن کردن این دستگاه شکنجه و اعدام بعمل نمی آید، دستگاهی که ادامه فعالیت آن، بهر شکل که باشد، بزرگترین خطر را برای انقلاب ایران ایجاد میکند.

این خطر را قضات تحقیق و بازپرسان پیشین دادرسی انقلاب اسلامی، در دیدار با امام، چنین بیان کرده اند: «ما آمده ایم بگوئیم ارگان های ساواک علیه انقلاب، مخفیانه، عمل میکنند و هم اکنون منابع ساواک به کارش ادامه میدهد.» قرائن صحت این نظر را تأیید میکنند.

واقعیت اینست که وقتی قیام مسلحانه مردم در ۲۲ و ۲۳ بهمن ماه سال گذشته، رژیم آریامهری را فرو ریخت، عمال ساواک تا آخرین لحظات از سنگر خود دفاع میکردند. عصر ۲۲ بهمن، وقتی پادگانها و کلانتریها فتح شده بود، مأموران ساواک در کمیته و اوین به مقاومت ادامه میدادند. ساواک سلطنت آباد هم، بعد از پیروزی انقلاب، یعنی روز ۲۳ بهمن فتح شد، در حالیکه ساواکیها هنوز در آن مقاومت میکردند. اعتراضات شکنجه گران ساواک در دادگاههای انقلاب هم روشن کرد که در همان روزهای قیام مسلحانه، مأموران ساواک در خرابیها به شکار انقلابیون مشغول بوده اند. روشن است که این مأموران بعد از پیروزی انقلاب مخفی شده و به تشکیل شبکه های گوناگون ترور و خرابکاری پرداخته اند. برخی از این شبکه ها هم کشف شده است.

## کارزار وسیع برای خارج کردن آمریکا از زیر ضربات انقلاب

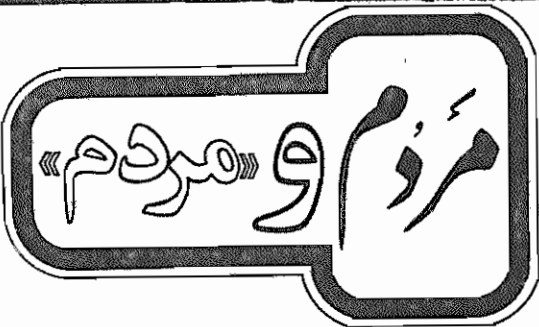
کارزار وسیعی برای خارج کردن آمریکا از زیر ضربات انقلاب در جریان است. آتش افروزان این کارزار در سه موضع مختلف قرار دارند:

- ۱- عوامل و دست پروردگان ارتجاع و امپریالیسم، که زخم خوردگان و زیان دیدگان اصلی انقلاب ایران اند.
- ۲- نیروها و اقشار و عناصری که به اقتضای موقعیت و منافع طبقاتی خود از رشد و تعمیق انقلاب بیمنانند، «لیبرال»هایی که جای جامعه ایران را نه در جبهه مقابل امپریالیسم، بلکه در کنار آن و به زعم باطل خود - با «حقوق برابر» و «حفظ استقلال نسبی» جست و جو میکنند.
- ۳- گروهها و افراد ناآگاه، که بر اثر رسوب تبلیغات ضد کمونیستی رده نشنان، دشمن اصلی و جزار را نه در وجود امپریالیسم بلکه در سیمای سوسیالیسم جهانی می بینند، کسانی که عاطفه تحریک شده و به بیراهه کشیده شده آنها، جای واقعی دوست و دشمن را در اندیشه و قضاوتشان جا بجا کرده است....

بقیه در صفحه ۵

بقیه در صفحه ۴

## قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود



# حزب توده ایران درباره پیش نویس قانون اساسی نظر میدهد

درآمد خانواده‌های زحمتکش را می‌بلعد و می‌بلعد. در شرایط کنونی ما وارث ارضی شومی در زمینه مسکن هستیم. طبق آمارهای رسمی، بیش از نیمی از واحد های مسکونی موجود قابل سکونت نیست. طبق آمار سال ۱۳۴۵، از جمع ۴۸ میلیون واحد مسکونی در سراسر کشور، تعداد ۴۷ میلیون واحد آن از خشت و چوب و گل و حصیر و کاغذ و حلبی ساخته شده است، که در واقع نمیتوان بر آن نام مسکن نهاد، مسکنی که تمام اوقات فراغت یک انسان باید در آن سپری شود. تازه در هر اطاق چنین باصطلاح واحد مسکونی ۴ تا ۶ خانواده بسر می‌برند، که حتی تصور آن مشکل بنظر میرسد.

با توجه به شرایط موجود، دولت وظیفه دارد یکی از فوری ترین برنامه‌های خود را تدوین برنامه جامع برای حل مشکل مسکن قرار دهد. در حال حاضر با صرفه‌جویی-هایی که بعمل آمده، دولت باید خود در امر خانه سازی برای زحمتکشان سرمایه‌گذاری کند.

ملی کردن اراضی موات گام مثبت و مفیدی در راه آزاد ساختن میلیونها متر زمین زمینخواران حرفه‌ای دوران پهلوی است که خود میتواند به خاتمه دادن به مالکیت‌های بزرگ بر زمین و کاهش بهای زمین بیانجامد. گام بعدی باید ایجاد کارخانه‌های تهیه مسکن بمنظور خانه‌سازی دولتی در کنار کارخانه‌ها و موسسات برای کارگران و زحمتکشان باشد. سرمایه‌گذاری دولت در توسعه روستاها یکی از گامهای اساسی است که باید برای میلیونها هموطن روستائین، مسکن تامین کند. در کوتاه مدت، دولت میتواند با کاهش اجاره بها، با استفاده از هزاران خانه‌ای که وابستگان به رژیم پیشین یا از خود برجای نهاده و یا خالی نگاه داشته‌اند و نیز اعطاء وام مسکن درازمدت با بهره اندک به خانواده‌های زحمتکش، به حل مشکل مسکن کمک دهد. داشتن یک مسکن مناسب برای زندگی، حق طبیعی افراد کشور است.

مسئله مسکن بعنوان یکی از عمده ترین مشکلات اجتماعی باید در مرکز توجه دولت انقلاب قرار گیرد. زحمتکشان روستا و شهر از نظر مسکن در وخیمترین شرایط بسر می‌برند. آنچه را که زحمتکشان روستا نام «مسکن» بدان نهاده‌اند، سرنگاه‌ای است فاقد نور و آفتاب و ابتدائی ترین شرایط بهداشتی که در کنار گاو و گوسفند و مرغ و خروس خود در آن بسر می‌برند. زحمت-کشان شهرها یا در گوی و برزن‌های حصیری، کاغذی، فلزی، که خود بوجود آورده‌اند، زندگی میکنند و این باصطلاح خانه‌ها دائما در معرض هجوم سیلاب، باد و باران و برف‌اند، و یا اگر وضع مادی بهتری داشته باشند، باید تا ۱۰۰۰ و ۱۵۰۰ تومان بابت اجاره بهای یک یا دو اطاق فاقد آب و برق بپردازند. در خود پایتخت، همگی شاهد حلبی‌آبادها، حصیرآبادها، گودها و زاغه‌های اطراف شهر هستیم، که دهها هزار تن از محرومان اجتماع ما در دل خود جای داده‌اند.

در سالهای اخیر که سیاست ضد دهقانی رژیم پهلوی، مهاجرت دهقانان را به شهرها تشدید نموده، روز بروز شماره زاغه نشینان فزونی یافت و با آنکه شهرداری‌های رژیم سابق کوشیدند با خراب کردن این زاغه‌ها بر سر ساکنانشان، جلوی زاغه‌نشینی را باصطلاح بگیرند، مانع از آن نشد که پس از چند روز محله جدیدی در منطقه‌ای دیگر چون قارچ از زمین برآید. زحمتکشان محرومی که سرنگاه‌های نداشتند ناچار به زاغه‌نشینی پناه می‌بردند و از اینکار گریزی نبود.

رژیم پهلوی با آنکه کرارا وعده ایجاد مسکن به کارگران و کارمندان داد و نظریه شهرک‌های روستائی را تبلیغ کرد، ولی عملا گامی در این راه برنداشت و بالعکس با سیاست غلط اقتصادی و تشویق زمینخواری و سرمایه‌گذاری در خرید زمین، روز بروز کرایه مسکن فزونی یافت تا آنجا که کرایه مسکن بیش از نیمی از

آقای جابرد، دانشجو، نامه شما را که بایست فرستاده‌اید و نامه دوم را که تقریبا عینا مانند نامه قبلی است در صندوق خود دفتر انداخته‌اید، دریافت کرده‌ام. اگر اینقدر عجله در دریافت پاسخ داشتید، میتوانستید مطلب را با دوستانیکه در همان در ورودی از مراجعین پذیرائی میکنند، در میان گذارید تا شمارا نزد دوستی که بتواند درباره کتب مورد نیاز پاسخی بشما بدهد، راهنمایی کنند. در حال کتبی که شما فهرست آنها را نوشته‌اید، ما در اختیار نداریم. اغلب آنها چاپ خارجه است و باید بپردازیم یا کتابخانه‌هایی که چنین کتبی را دارند یا میتوانند سفارش دهند، مراجعه نمائید. در ضمن بدنیست سر راه بازگشت بشهرستان بدفتی حزب در تبریز نیز سری بزنید و درباره شخصیت‌هایی که ستوال کرده‌اید، اطلاعات بیشتری کسب نمائید. دوست گرامی، فکر اصلی شما که معرفی مبارزان شهر خودتان و نوشتن تاریخ پیکارهای سرسختانه مردم زحمتکش و شرح حال انقلابیون است، بسیار فکر خوبی است، که میتواند نقش مثبتی در بسیج مردم و در تربیت انقلابی جوانان ایفا کند. صمیمانه موفقیت شما را در انجام این مهم خواستاریم.

دوست ارجمند حمیدت.س. تفاوت بین دو رقم بیست میلیارد و چهل میلیارد دلار خرید اسلحه از خارجه توسط رژیم شاه مخلوع، که شما یادآوری میکنید، ناشی از اینست که رقم بیست میلیارد پولی است که تا کنون برای خرید پرداخت شده، در حالیکه چهل و سه میلیارد دلار جمع معامله ایست که شاه خائن کرده بود و اگر انقلاب مردم ایران بساط فرعون او را جارو نیکرد، تمام آن پرداخت میشد. بنا بر این تناقض گوئی نشده. اگر خواستید رقم معامله تسلیحاتی را ذکر کنید، ۴۳ میلیارد دلار است و اگر خواستید رقم پرداختی، تا زمان سرنگونی را ذکر کنید، رقم ۲۰ میلیارد درست است.

دوستی که نامه خود را امضا نکرده، توصیه میکند که «مردم» بیشتر رویدادهای کشور را منعکس کند و افشاگری را کاملتر انجام دهد. خوشبختانه دوست ما تذکر میدهد که باید برویدها با نقادی و حس مسئولیت برخورد کرد و اخبار را هر چه موقوتر منعکس کرد و تحلیل دقیق و ارزیابی درست را فدای چاپ سریع هر خبری نکرد. وی ضمنا راه افتادن استوار و هشیارانه را در برابر اصلا براه نقتادن توصیه میکند. باید گفت که طرحی که دوست ما درباره فرستادن دقیق کلیه اخبار موق، از اقصی نقاط کشور، توسط شبکه رفقا و اعضای حزب و ارسال گزارشهای دقیق ارائه داشته، بسیار مطلوب و ایده‌آل است، منتسب ما باید هنوز راهی را برای رسیدن باین حد طی کنیم. همه این امکانات و وسایل اکنون در اختیار ما نیست، دوست ما بروی منابع اطلاعاتی فوق‌العاده مطمئن و صدیق و دقیق بدرستی تکیه میکند و وظیفه هر عضو حزب را گزارش هر چه سریعتر جریانات و رویدادها میداند. در این نوشته‌ها حقیقتی مهم نهفته است که ما بنوبه خود آنرا در نظر خواهیم داشت و امیدواریم اعضای حزب نیز باین نکته بسیار مهم دقیقا توجه کنند.

## هشدار حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

فما لیت هزاران مامور ساواک، که در میان مردم میگردند و متأسفانه در بسیاری از ارگانهای انقلاب، بویژه کمیته‌ها هم رخنه کرده‌اند، در همین جفا تمام نمیشود. مثلا سازمان مجاهدین خلق ایران در گزارش خود به دادستان انقلاب، از یکی از عمال ساواک نام برده، که نقش اصلی را در اجرای توطئه دستگیری محمد رضا ساداتی داشته است. در همین شرایط، خبر از بازسازی دو اداره ساواک و اداره آن توسط ساواکیها میرسد و تاکنون هیچ مقام مسئول مملکتی هم آنرا تکذیب نکرده است.

آذری قمی، دادستان انقلاب اسلامی تهران هم در مصاحبه‌ای که روز یکشنبه هفدهم تیرماه در روزنامه اطلاعات چاپ شد، صریحا به آزاد شدن ساواکی‌ها اشاره کرد و گفت: «آزادی ساواکی‌ها با صدور قرار یک میلیون تومان صورت می‌گیرد و علاوه بر این از همسر و نزدیکانشان نیز تهدید گرفته می‌شود که هر وقت دادسرای انقلاب خواست متهمین بایستی خود را معرفی کنند، در غیر این صورت همسر و یا نزدیکانشان زندانی خواهند شد.»

روشن است که ساواکی‌های آزاد شده براحتی می‌توانند به شبکه وسیع ضد انقلاب بپیوندند و هر وقت هم لازم شد، خود را به دادسرا معرفی کنند! معلوم نیست در حالیکه امام فقط خواستار تمهین تکلیف زندانیان شده است، چه محافل ساواکی‌ها را آزاد می‌کنند؟

چنین اوضاعی مردم را بشدت نگران کرده است. مردم ایران که سالها دراز، باشیخ خوین ساواک زندگی کرده‌اند، اکنون خواستار قطع ریشه‌های آن از اجتماع است.

متأسفانه باید گفت که مقامات مسئول، بجای بر آورد چنین خواست برحقی، در قبایل ماموران ساواک، شو به گشت را پیش گرفته‌اند. از طرفی در میان آزادشدگان دادگاههای انقلاب سراسر کشور به وضوح نام و مشخصات کارمندان ساواک دیده می‌شود، حتی شخصی چون غلامعلی امیدیان، که سرپرست اکیپ مراقبت و تعقیب کمیته به اصطلاح ضد خرابکاری بوده، تبرئه و آزاد می‌شود. از طرف دیگر، با وجود کشف اسامی رمن ماموران ساواک، تاکنون از افشای آنها خود داری شده است. اکنون مدتهاست که لیست کارگزاران ساواک در مطبوعات، توسط وزارت ارشاد ملی آماده شده است، و با اینکه عده‌ای از افراد این لیست به انتشار نشریات ضد انقلابی

## دشمن اصلی انقلاب ایران

ترقیخواه و میهن‌دوست را با تمام می‌آلاید، تا شاید از این زمینه بخیال خود «مساعد» بوقع بهره برداری کند. همه این اقدامات خصمانه ذاتی امپریالیسم و واکنش دشمنی است که از انقلاب ما پیشترین صدمه را دیده‌است. به گفته امام خمینی: «شکست امریکا از هفدهم پیشتر بود، لذا سیه او هم پیشتر است.»

این امپریالیسم امریکا که با انقلاب ایران مواضع نظامی خود را در ایران از دست داده است، جاسوسان مستشار نمای آن اخراج شده‌اند، دیگر قادر نیست هم نفت ما را به ثمن بیخس ببرد و هم دلارهای نفتی ما را از جیب‌مان برباید، نمیتواند دیگر منافع خود را بما دیکته کند، نمیتواند سرسپردگان خود را در مسند «شاهنشاه آریامهر»، وزارت و وکالت و نخست‌وزیری بنشاند.

چنین شکست بزرگی را امپریالیسم امریکا هنوز هضم نکرده، با تمام نیرو در تقلا می‌جیران آنست، و با این هدف شوم در میان «چپ» و راست، به توطئه و دسیسه دست می‌زند؛ البته این بار نه بنام دفاع از سلطنت مطلقه «آریامهر» که هیچ خواستاری ندارد، بلکه آگاهانه با پوشش «انقلابی»، یکجا بنام دفاع از حقوق خلقها، جای دیگر با نقاب تازندگان انقلاب، اینجا بنام مذهب، آنجا بنام مبارزه با مذهب، اینجا بنام دفاع از منافع طبقه کارگر، آنجا بر لوی حمایت از دهقان، اما در همه حال با هدف مشخص ایجاد تفرقه، جدا ساختن نیروها و وارد آوردن ضربه قطعی.

نیروهای صادق انقلابی در شرایط حساس کنونی باید کاملا هشیار باشند، رخنه ضد انقلاب را در حوال و حوش خود و در میان صفوف خود بشناسند و با آن عرصه اقدام و عمل ندهند، زیرا نتیجه اعمال آنان فقط بسود ضد انقلاب است که بر رأس آن امریکا قرار دارد. بگفته امام خمینی: «اگر بخواهیم عمال یک رژیم را بشناسیم، باید ببینیم اینکارهایی که اینجا میکنند، نقش برای چه کسی است و در جیب چه کسی می‌رود. برای اینکه وقتی مازراعت نداشته باشیم، از جایی که صادر میشود امریکاست. شوروی بمانگندم نمیدهد... نفع اینکارها مستقیما توی جیب امریکا می‌رود... آنها که زراعتشان است و آتش می‌زنند و بدریا می‌ریزند، آنها ارزاق ما را بدهند.»

تشخیص دشمن اصلی و تمرکز آتش پیکار بر روی آن، رمز پیروزی انقلاب ما تا سر منزل مقصود خواهد بود. آنها که آگاهانه افکار عمومی را از تشخیص دشمن اصلی منحرف می‌سازند، اگر خود ضد انقلاب نباشند، ضد انقلاب را تغذیه میکنند. در میان دوازدوگاهی که بزرگترین وقایع ترین نبرد جهان در میان نشان درگیر است، یعنی امپریالیسم و سوسیالیسم، اردوگاه امپریالیسم، بر سرکردگی امپریالیسم امریکا دشمن اصلی انقلاب ما و همه خلقهای مستضعف جهانست و اردوگاه سوسیالیسم، در مرکز آن اتحاد شوروی، دوست صادق انقلاب ما و یشتیبان خلق ماست. باید دوست و دشمن را از هم باز شناخت.

## هانی‌الحسن در کانون جمعیت ایرانی تعاون با فلسطین

خبرگزاری فلسطینی وفا این گزارش را پخش کرده است، برادر هانی‌الحسن نماینده انقلاب فلسطین در ایران، از مقر جمعیت ایرانی تعاون با فلسطین دیدار کرد. شیخ مصطفی رهنما رئیس جمعیت و اعضاء و طرفداران جمعیت، از برادر هانی با کف زدن و شعارهای فلسطین و ایران استقبال کرد.

برادر هانی‌الحسن طی نطقی از روابط استراتژیک بین ایران و فلسطین و ضرورت و همکاری مشترک برای نابودی امپریالیسم و اسرائیل سخن گفت و از اسرائیل بعنوان خطرناکترین پدیده نظامی امپریالیسم در منطقه یاد کرد.

سپس شیخ مصطفی رهنما در سخنرانی خود بگرمی به برادر هانی‌الحسن خوش آمد گفت و در پایان این اجتماع سیاسی، همگی اعلام کردند برای آزادی بیت المقدس و برای انقلاب ایران و فلسطین فعالیت کنند.

## از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

- هنام ازساری (از پس‌انداز خود برای کمک به حزب پدرش) ۶۲۰۰ ریال
- سیامک ازساری (از پس‌انداز خود برای کمک به حزب پدرش) ۳۷۰ ریال
- م.ک ۵۰۰۰۰
- گروه مشعل از همدان ۱۰۰۰۰
- ج.ق. از لنگرود ۱۰۰۰۰

## کمکی کوچک با ارزش بی پایان

رفیقی می‌نویسد:

مشغول فروختن روزنامه مردم- در خیابان سلسبیل- بودم که به پیرزنی برخورددم. وقتی با من مواجه شد، گفت: «بسم، این روزنامه مال حزب توده است؟» جواب دادم: «بله». آنوقت گره گوشه چادرش را باز کرد، یک تومان در آورد گفت: «این را به حزب بده» وقتی اسمش را پرسیدم، گفت: «نمی‌خواهد»

پرداخته‌اند، معلوم نیست چرا از انتشار این لیست خودداری می‌شود.

در اغلب موارد، هر جایی که پالسازی صورت میگیرد، از معرفی ساواکیها خودداری میشود. مثلا گروهی از ساواکیهای دانشکده حقوق دانشگاه تهران را اخراج کرده‌اند، اما فقط نام رهن آنها منتشر شده است.

چنین شیوه‌هایی به عمال ساواک اجازه میدهد که از نگاه مردم پنهان بمانند، بتوانند گریه‌های و به شیوه‌های گوناگون دست به تفتین و توطئه علیه انقلاب بزنند.

مردم ایران بحق می‌خواهند که عمال ساواک، در هر جا که هستند، معرفی و افشا شوند، دادگاههای انقلاب به پرونده آنها رسیدگی کنند و با قضاوت عادلانه، هر کسی را درخور جرمش به مجازات برسانند و باین ترتیب مانع فعالیت شبکه وسیع ساواک در میان مردم شوند.



# اخبار کارگری

## کارکنان کارخانه تراکتور سازی تبریز خواستهای خود را مطرح کردند:

ابتداء نماینده کارکنان پست تربیون رفت ضمن تجلیل از مبارزات کارگران در دوران رژیم منفور پهلوی، گفت: ما همچنانکه در زمان انقلاب جنگیده ایم و یکی از کارخانه های پیشرو در مبارزه علیه رژیم شاه خان بودیم، در دوران پس از انقلاب نیز، طبق گفته امام خمینی دایر بر شروع دوباره کار و فعالیت، در مسیر انقلاب اسلامی کوشیده ایم. وی سپس خواستهای کارکنان کارخانه تراکتور سازی را بیان داشت. اهم خواستها عبارتند از:

- ۱- برکناری مدیر عامل ومدیریت سابق و پاکسازی کارخانه از عناصر و عمال رژیم سابق
- ۲- قطع وابستگی به استعمار نو
- ۳- تعیین حداقل دستمزد بمیزان ۲۵۰۰۰ ریال
- ۴- صدور دفترچه خدمات درمانی برای همه کارکنان
- ۵- تأمین مسکن

پس از پایان سخنرانی و قرائت قطعنامه، استاندار جدید آذربایجان شرقی، ضمن تأیید کلیه خواستهای کارکنان، گفت: لایحه تعیین حداقل دستمزد به شورای انقلاب تقدیم شده است. در مورد دفترچه خدمات، استاندار گفت: راه حل تأمین بهداشت برای زحمتکشان و مردم ایران، ملی کردن بهداشت و برچیدن بساط سوداگری در امر بهداشت میباشد. لذا طرحی در دست تصویب است که طبق آن بهداشت ملی خواهد شد.

در مورد برکناری مدیریت و پاکسازی، استاندار اظهار داشت که، تمام خائنین به مصالح و منافع عموم باید از کارخانه طرد شوند، لیکن از تسویه حساب خصوصی و غرض شخصی حتماً خودداری شود. همچنین برای تحقیق در مورد پرونده های عناصر مشکوک در کلیه سطوح کارخانه باید یک شورای تزکیه (پاکسازی) با حضور نماینده دادگاههای انقلاب تشکیل شود.

استاندار در باره فعالیت واحدهای تولیدی اظهار داشت، همچنانکه کارگران در دوران انقلاب با در دست گرفتن اسلحه به پیکار برخاستند، وظیفه آنها در دوران سازندگی نیز پیروی از جهادکار، بالا بردن حجم تولید و افزایش بازده کار است.

## عوامل تفرقه در صفوف کارگران را بشناسیم و طرد کنیم!

یکی از شیوه های جدید عوامل تفرقه انداز در صفوف کارگران، که اغلب گروه های ماژوریتی هستند، ایجاد سندیکاهای قلابی و مبارزه برای نابودی سندیکاهای کارگری است.

هم اکنون مدتی است سندیکای تأسیسات بوجود آمده، اساسنامه سندیکا تهیه شده و انتخابات در آن صورت گرفته است و نمایندگان کارگران برای مدت یکسال انتخاب شده اند. این سندیکا به ثبت هم رسیده است. ولی تفرقه کاری از شیوه های جدید عوامل تفرقه انداز در صفوف کارگران، در میان آنها بتلاش برای ایجاد سندیکای قلابی دیگری پرداخته اند. به گفته خود این آقایان، ابتدا ۵ نفر بودند و سپس به ۲۰ نفر تبدیل شدند و حالا هم این ۲۰ نفر، که کارها را به عهده دارند، به جمع آوری امضاء پرداخته اند و کارتهای عضویت صادر میکنند و تلاش دارند تعداد هرچه بیشتری از کارگران را به خود جلب کنند تا قدرتشان برای نابودی سندیکای کارگری تأسیسات بیشتر شود.

## خواستهای کارگران شرکت خط لوله گاز و نفت ویلیام برادرز.

از تاریخ ۱۲/۳ گروهی از کارگران شرکت خط لوله گاز و نفت ویلیام برادرز در محل شرکت متحصن شده و خواستار آن هستند که شرکت دوباره دایر شود و آنها بسرکار خویش بازگردند و حقوق و مزایای قانونی خویش را، که از تاریخ تعطیل شرکت (پس از انقلاب) به آنها پرداخت نشده، دریافت دارند. کارگران در متنی که در جلوی شرکت بدیوار نصب کرده اند، همچنین خواستار حق اولاد، پرداخت حق بیمه، حق مسکن و خواربار، حق اخراجی سالی دو ماه، عیدی سالی ۱۵ روز، ۱۵ روز کارایی، پرداخت خسارت به کسانی که طی سانحه ای نقص عضو پیدا کرده اند، دریافت روزی ۴ ساعت اضافه کار پرداخت نشده، دریافت دوبله روزهای تعطیل، حق ترانسپورت (سرویس) ۴۰ تومان برای هر نفر شده اند.

### مشکلات کارگران پیمانی پالایشگاه

وضع عمومی کارگران پیمانی پالایشگاه روز بروز پیچیده تر میشود. اخیراً نمایندگان شرکت فلور، فام راه، سوتا، روغن سازی و غیر سازی طرحی در مورد شرایط کار خود تدوین کردند و در آن مهمترین و ضروری ترین خواستهای خود را یاد آور شده اند:

- ۱- تشکیل سندیکای سراسری شرکت های پیمانی پالایشگاه و برسمیت شناختن
- ۲- استفاده کلیه کارگران پیمانی که واجد شرایط استخدامی هستند، استفاده عموم کارگران از بهداری پالایشگاه،
- ۳- رسیدگی بوضع دستورالعمل کارگران و هماهنگی کردن آن با دستورالعمل کارگران رسمی از نظر کیفیت غذا،
- ۴- اقدام سریع برای اضافه دستمزد روزانه.

# خنجر از پشت

## همه گونه تلاشی میشود برای آنکه بین توده ایها و عناصر ملی تقاطق یابند

ماطر فدار وحدت عمل همه نیروها هستیم و بکرات گفته ایم که ترجیح میدهم مبارزان راه خمینی، طرفداران راه مصدق، گروه های چپ، توده ایها، اجتماعات سندیکائی و دیگر اجتماعات خلقی درجهیه واحدی کنار هم باشند و بر اساس قانون اساسی مورد قبول همه برنامه مشترک برای نوسازی اجتماعی، یک دمکراسی نوین و منطبق بوجود آورند. ولی وقتی این وحدت عمل سر نمیگیرد و ما ناگزیر به انتخاب میشویم، طبیعی است که مشی قاطع امام خمینی را بر مشی های ناپی گیر یا نادرست دیگر مرجع میسریم.

**سوم آنکه**، ما باید آرا نمیدانیم اعتلاء و تعمیق انقلاب ایران (که خواستار آن هستیم) بشکل «خنجر زدن» گروهی بکن و دیگری عملی شود. کمونیست های پیرو راه لنین، از نخستین روز عمل در صحنه ایران و شرکت در انقلاب گیلان، با شعار «وحدت عمل نیروها» آمدند. این حیدر عسو اوغلی رهبر حزب کمونیست ایران نبود که با هم روزمان خود بی وفائی کرد، این بی وفایان در میان کسانی بودند که حیدر صادقانه آنها را متحد می پنداشتند با آنها تکیه میکرد، این ما نبودیم که علیه حکومت ملی دکتر محمد مصدق (که حاضر نبود با آزادی عمل حزب ما موافقت کند) توطئه کردیم، این توطئه گر امپریالیسم بود و در این توطئه، ما نخستین قربانیان بودیم و بیشترین شهیدان را دادیم. این ما بودیم که برای حفظ جان دکتر قاطعی کوشیدیم و این ما بودیم که از مصدق در بند، بزرگترین مدافعات را بعمل آوردیم.

چه کسی در تاریخ مصلطه میکند و چرا میکند؟ آیا هدف ایجاد یک فاجعه جدید علیه انقلابیون واقعی نیست؟ چرا به انقلابیون توده ای، که متحمل بزرگترین رنجها در مبارزه با رژیم پهلوی شده اند، این تهمت های زشت و دروغ وارد می آید و بجهت تصد؟ توده ایها به قول و سخن خود وفادارند. آنها دروغ نمی گویند و حيله نمی زنند.

حزب توده ایران ممکن است در اثر فقدان تجربه سیاسی، در گذشته اشتباهاتی کرده باشد. ولی این حزب سازمانی جدی است، و برخلاف دیگران، این اشتباهات را مطرح میکند و تنها حزب سیاسی است که مطرح میکند. کدام سازمان سیاسی دیگر را می شناسید که با چنین صداقت و جدیت عمل کرده باشد؟ تهمت «خنجر از پشت»، ساخت امپریالیسم، برای پوشاندن تبه کاری های فجیع و عظیمی است که علیه کمونیست ها انجام گرفته است.

فراموش نکنیم، در جاتی که بنام «ایرانیون جا کار تا» بدست امریکا (و عاملش سوارتو) در آندونزی انجام گرفته، صدها هزار کمونیست را سر بریدند.

فراموش نکنیم، قاتل لومومبا، مجیب الرحمن، آلینده، میرزا کوچکخان، عبدالناصر، عبدالکریم قاسم و امثال آنها، «سیا» و «اینتلجنس سرویس» است دشمن را در جاتی ببینیم که در آنجا است.

یکی از افتراآت ناپسندی که به کمونیست ها وارد میکنند، اینست که گویا آنها خنجر از پشت میزنند! این بهتان را آن سیاستمدارانی اختراع کرده اند که میخواهند بنام خلق و بدست خلق (ولی نه در سود خلق) عمل کنند و دشمنانند که چرا کمونیست ها نارسائیها و ناپی گیریهای آنها را در دفاع از خواستهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زحمتکشان بر ملا میسازند و چرا از «تصدیق درستی» آنها خودداری میورزند. این سیاستمداران مایلند کمونیست ها را دنباله رو مطیع خویش ببینند و از آنها تنها تصدیق و تأیید بشنوند، نه انتقاد و ارائه طریق و احیاناً افشاءگری.

بر اساس این افتراء، جمعی که از سیاست امروزین حزب در دفاع از مشی قاطع امام خمینی در دل خرسند نیستند، هر جا که بتوانند این مطلب را به میان میکشند که گویا در میان گروه های چپ، توده ایها، آن سیاستمداران زیرک و خدعه کاری هستند که نمش نشان میدهند و منتظر فرصت نشسته اند تا خنجر از پشت بزنند! تمام سیاست امروزه آنها «ناکتیک» است، تاکتیک بمعنای خدعه و نیرنگ.

باین سفته دور از عدالت چند پاسخ میتوان داد، **اول آنکه**: کسانیکه در مواقع مختلف، هر جا که دستشان رسید، سیاست امعاء جمعی کمونیست ها را دنبال کردند، سیاستمداران متعلق به جناح راست بودند، در آندونزی، در عراق، در سودان، در شیلی، در ایران، در گواتمالا، در نیکاراگوئه، در پاراگوئه، در اورگوئه، در کنگو، در مسقاتل غدار کمونیست ها همیشه، با نقابهای گوناگون، و گاه با نقاب ملی و دموکراتیک، از درون جناح راست بیرون آمده اند. همه میدانند که رجال ملی از نوع مصدق، قاسم، آربنس، سوکارنو، لومومبا، قاسم، نهری، مجیب الرحمن و غیره مورد حمایت کمونیست ها (بمعنای جدی این کلمه) قرار گرفته اند.

**دوم آنکه**، سیاست کنونی حزب توده ایران در مورد مشی امام خمینی (چنانکه بارها گفته ایم) یک نیرنگ، یکسک انتهاز فرست برای خنجر زنی از پشت نیست، بلکه ناشی از تحلیل علمی وضع است. بین مشی های لیبرالیسم سوسیال دمکرات ما با مشی چپ روی افراطی و روش خلقی و ضد امپریالیستی، حزب ما مشی اخیر را برتر و بهتر و به مشی و روش سیاسی خود نزدیکتر یافته است، لذا وظیفه انقلابی خود را در حمایت از آن می بیند. این نتیجه گیری منطقی آن از درسهای تاریخ است.

در اینجا باید این نکته را بیافزاییم که روش ما نسبت به این مشی، روش اتحاد و انتقاد است، با تکیه بر روی اتحاد. ما نظریات انتقادی خود را در موارد عیده (تنها با لحن و روشی که اولویت اتحاد را در نظر بگیرد) پیوسته بیان داشته ایم و اتهام «مستحیل شدن»، که کسانی وارد میکنند، اگر اتهامی عجولانه و در اثر عدم مطالعه اسناد حزب نباشد، ناچار متعمدانه و مغرضانه است.

### مهمترین خواستهای کارگران صنایع پوششی

- کارگران صنایع پوششی مهمترین خواستهای خود را بشرح زیر مطرح نموده اند:
- ۱- صدور حکم های عقب افتاده سال ۵۷
  - ۲- دادن غذای گرم به کلیه کارکنان در اسرع وقت،
  - ۳- محاسبه دستمزد اردیبهشت ماه بر اساس ۸ ساعت کار روزانه،
  - ۴- تعیین اضافه دستمزد سال ۵۸،
  - ۵- روشن شدن وضع شیر خوارگاه،
  - ۶- تأمین کمبود سرویس کارخانه،
  - ۷- دادن حق مسکن و خواربار کارگران اخراجی از تاریخ شروع مجدد کار با حقوق اردیبهشت ماه،
  - ۸- کلیه کارگران اخراجی به قسمتهای اولیه خود برگشت داده شوند،
  - ۹- سابق کار کارگران اخراجی و تخصص آنها جهت اضافه دستمزد سال ۵۸ در نظر گرفته شود،
  - ۱۰- تغییر ساعت کار فعلی بعد از تأمین خواستهای فوق انجام گیرد.

### خواستهای منطقی کارگران خیاط و پیراهن دوز

- هیئت مدیره موقت سندیکای مستقل کارگران خیاط و پیراهن دوز تهران و حومه، اطلاعیه ای انتشار داده اند و ضمن آن حقوق سندیکائی کارگران این صنف را بشرح زیر بیان کرده اند:
- ۱- روزمزد شدن کلیه کارگران صنف بدون استثناء،
  - ۲- بیمه شدن کلیه کارگران صنف،
  - ۳- حداکثر ساعات کار در روز ۸ ساعت،
  - ۴- حداقل مدت استخدام کارگر بوسیله کارگاهها یکسال باشد،
  - ۵- استخدام و اخراج کارگران از طریق سندیکا انجام شود،
- کارگران این صنف همچنین خواهان حق بازنشستی و حل مشکل بیکاری هستند.

## پیروزی کارگران سازمان آب و برق تبریز

### تبریز

از صبح روز شنبه ۹ تیرماه حدود ۵۰۰ نفر کارگران قسمت آب سازمان آب و برق تبریز در ساختمان «آب مشروب شهر» با اعلام خواستهای زیر دست از کار کشیدند:

- ۱- نحوه فعلی استخدام در این سازمان لغو شده، نحوه عادلانه جایگزین گردد، (کارگران از لحاظ استخدام همپایه کارمندان باشند).
- ۲- پاکسازی و تزکیه سازمان از عناصر ضد کارگری و وابسته به رژیم سابق.
- ۳- بودجه سازمان برای رفع نیازمندی کارکنان بکار گرفته شود و صرف لوله کشی در محلاتی شود که هنوز آب لوله کشی ندارند،
- ۴- تبدیل دفترچه های بیمه های اجتماعی به دفترچه خدمات درمانی.

مذاکرات مقدماتی نمایندگان کارگران با مسئولین امر بجائی نرسید و در نتیجه ۵ نفر بعنوان نمایندگان کارگران به کاخ استانداری رفتند که باز جواب قطعی دریافت نکردند. سرانجام کارگران اعلام کردند، چنانچه بخواستهایشان جواب قطعی داده نشود، دست به اعتصاب غذا خواهند زد و همچنین تصمیم گرفتند که برای جلوگیری از هر حادثه ای که بضرر مردم تمام شود، لوله های ترکیده در سطح شهر را تعمیر کنند.

عصر همان روز استاندار در محل حاضر شد و قول مساعدت جهت برآوردن خواستهای کارگران را داد و کارگران از صبح روز سه شنبه پس کاز خود برگشتند.

### اخراج بیرحمانه کارگران

کارگران شرکت ساسر شرکت بدون پرداخت هیچ که یک شرکت فرانسوی مزایای آنان را مانند است و در ایران بکار سد سازی مشغول است، روز شکایت داشتند، اکثریت ۲۹ خرداد در محوطه وزارت این کارگران تا ۲۰ سال کار جمع شده و از اینکه پیشینه کار داشتند.

# «چپ» و راست به ضد انقلاب میدان عمل میدهند

«ضد انقلاب» فعال است. این انبان رذیلت بهر شکلی خود را میآراید، هر نقابی برسیما میآویزد، بهر رنگی درمیآید، بهر گروه و سازمانی سر میکشد، هر عقیده و مرامی را پرچم خود میکند و اینهمه تنها در خدمت یک هدف ضد مردمی است و آن بهره برداری از آشفتگیهای دوران پس از انقلاب، بمنظور تخریب آن از درون است. باید هشیار بود و راه را بر ضد انقلاب بست.

اما متأسفانه همیشه هشیاری وجود ندارد و کسانی، آگاهانه یا ناآگاهانه، به اقداماتی دست میزنند که نتیجه نهائی آن فقط بسود ضدانقلاب است.

اقدامات گروههای چپ رو و چپ نما در باصلاح تازاندن انقلاب، در طرح شمارهای بموقع، در برانگیختن اعتصابها و تحصنهای نابجا که منجر به فلج شدن چرخ برخی مؤسسات تولیدی شده، در تحریک دهقانان به عدم تحویل محصول به دولت و غیره و غیره، موجب میشود که جناح راست انقلاب با بهانه قراردادن این اعمال نادرست و زیانبخش، فشار خود را بر رهبری انقلاب و مسئولین امر برای تحدید حقوق و آزادیهای دموکراتیک تشدید کند. برخی قوانین ضد دموکراتیک و ضد کارگری که در هفتههای اخیر به تصویب رسیده است، نظیر قانون دادگاههای فوق العاده ضد انقلاب، قانون «غفوع عمومی ارتش» چیزی جز تشدید فعالیت این جناح نیست که موفق شده است تصویب این قوانین را تحمیل کند. ضدانقلاب در میان این هر دو گروه فعال است و برای دامن زدن به ناراضیتهای مردم، هم نقاب «چپ» به چهره میزند و هم به کموت راست در دولت خود نیز در این میان، با عدم قاطعیت، ضعف تصمیم گیری و بی توجهی به خواستههای منطقی و قانونی اقشار و طبقات مختلف زحمتکش، فرصتهای مضمتمی را به ضد انقلاب عرضه میکند. نمونه میآوریم، طبقه کارگر مطالباتی دارد، این مطالبات در اکثریت

تلاش کارگران برای ایجاد سندیکا های واقعی شان جلوگیری نکنند و یک قانون کارمترقی هماهنگ با انقلاب پیروزمند، بس مناسبات کارگر و کارفرما حاکم شود و غیره و غیره... اینها مطالباتی است که انجام هیچیک ناشدنی نیست. اما وقتی کارگران می بینند که دولت انقلاب نسبت به خواستههایشان بی توجه است، طبیعی است که فریادشان بلند میشود و در نتیجه زمینه مساعدی برای نیروهای چپ رو و چپ نما پدید میآید تا از عدم رضایت بحق کارگران بسود مقاصد خویش بهره گیری کنند و موج تحصن و اعتصاب را در کارخانه ها و مؤسسات دامن زنند. بدینسان تولید صنعتی متوقف میماند و عدم رضایت عمومی از رکود اقتصادی، زمینه مساعد دیگری را به ضد انقلاب عرضه میکند که اتفاقاً خطر بزرگ در همینجاست و باید نسبت بدان بویژه حساس بود، تا مبادا وقایعی نظیر آنچه بر شیلی بال گسترده، در کشور ما تکرار شود.

در درجه اول وظیفه دولت است که با اقدامات قاطع و انقلابی در جهت بهبود زندگی مردم و شکوفائی اقتصاد کشور، راه را بر ضد انقلاب سد کند و وظیفه همه نیروهای و عناصر انقلابی این است که در شرایط ویژه کنونی بسا مسئولیت بیشتری عمل کنند و بهانه عمل به ضد انقلاب ندهند. ضدانقلاب فعال است، باید آنرا بی اثر ساخت.



# کارشناس نظامی و اسلحه امریکائی

بدنبال گزارش خبرگزاری فرانسه در منابع مطلع در تهران، مبنی بر اینکه ۴۰ نفر کارشناس و تکنیسین نظامی امریکائی بسازگی وارد ایران شده اند، آقای امیرانتظام بسنجان سخنگوی دولت مصاحبه ای انجام داد در این مصاحبه نه فقط گزارش فرانس پرس را تکذیب نمود و اساساً آنرا ناسازگار گرفت، بلکه اظهار داشت: «... سرمایه گذارهایی که ما در چند سال گذشته، بخصوص در مورد اسلحه کرده ایم. در حدود ۴۰ میلیارد دلار است و ملت ایران (۱) بهیچوجه اجازه نخواهد داد که این اسلحه بدور ریخته شود و با شرط عدم مداخله امریکا و نشان دادن علاقه آنها بداشتن روابط دوستانه با دولت جمهوری اسلامی ایران، که خودشان هم بارها اعلام کرده اند، از تکنیسینها و متخصصین آنها برای استفاده از ۴۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری ملت ایران استفاده خواهیم کرد.»

ضمناً خبری حاکی از اینکه دولت درصدد است جنگنده های تهاجمی اف. ۱۴ و موشکهای فونیکس را به امریکا پس دهد یا باز فروش کند، از طرف آقای انتظام تکذیب شد. بگفته ایشان، «اینها سلاحهایی هستند برای دفاع از مرزهای ایران و مورد نیاز دولت و ارتش اسلامی...»

این بیانات سخنگوی دولت بسیار نگران کننده است. ایشان میلیاردها دلاری را که شاه مخلوع برای خرید اسلحه تهاجمی بقصد ایفاء نقش «ژاندارم منطقه ای» امیرالیسم امریکا از بیت المال ملت برداشت کرده «سرمایه گذاری» نامیده اظهار میدارند که، برای استفاده از این سرمایه گذاری، یعنی «استفاده» از این تسلیحات، از تکنیسینها و متخصصین نظامی امریکائی «استفاده» خواهد شد. شرط این «استفاده»، بنظر آقای امیرانتظام، نشان دادن علاقه از طرف امریکا بداشتن روابط دوستانه با دولت جمهوری اسلامی و عدم مداخله است، چون ایالات متحده امریکا «خودشان بارها اعلام کرده اند» بدینسان ما با نظریاتی روبرو هستیم حاکی از اینکه، اولاد دولت امریکا ناگهان تغییر ماهیت داده و از یک دولت امیرالیستی مداخله گر، بیک دولت مبرا از مداخله گری بدل شده است. ثانیاً مستشاران و تکنیسینها و متخصصین امریکائی این مأموران پنتاگون - می توانند در ایران بمانند و بایران بیایند و «استفاده» دهند ثالثاً تسلیحات تجاوزی مافوق مدرن، که فقط برای تجاوز از طرف رژیم سرنگون شده پهلوی خریداری شده، «مورد نیاز» است. و اینچنین تسلیحاتی مورد «نیاز» است، منطقیاً باید باین نتیجه رسید که درآینده نیز میبایستی خرید آنها ادامه یابد و باز این چرخ جهنمی، خرید اسلحه، همراه با ورود مستشار و کارشناس نظامی امریکا و در نتیجه وابستگی نظامی - سیاسی ایران با امریکای استیلاگر، بگردش درآید.

چه کسی نمیداند که دولت آمریکا اسلحه را بدون قید و شرط سیاسی و نظامی بکسی نمیفروشد؟ چه کسی نمیداند که کارشناسان و مستشاران نظامی آمریکا مأمور اجرای سیاست نظامی دولت آمریکا در کشور خریدارند؟ چه کسی میتواند انکار کند که یکی از عمده ترین وسیله انقیاد کشورها از سوی امریکا، فروش اسلحه است؟ کدام ایرانی میتواند فراموش کند که خرید اسلحه از آمریکا، نه فقط تاراج دادن هستی کشور، بلکه وسیله ای بود که کشورها را بکشوری از نوع مستعمراتی و ارتش ما را به نوعی قشون مستعمراتی بدل ساخته بود؟ اینها حقایق غیر قابل انکار و غیر قابل فراموشی است. از جانب دیگر، آقای علی اکبر معین فر، سرپرست سازمان برنامه و بودجه، همان روزی که آقای امیرانتظام درباره لزوم «استفاده» از کارشناسان و اسلحه مافوق مدرن تهاجمی، از قبیل جنگنده های اف-۱۴، سخن رانده اند، طی مصاحبه با آسوشیتد پرس، درست عکس اظهارات آقای انتظام را گفته اند؛ معین فر، برخلاف انتظام تأیید کرد که «دولت سرگرم مطالعه برای پس دادن و بازفروش سلاحهای جنگی پیشرفته است، که رژیم مخلوع خرید کرده بود». معین فر گفت: «ما کشور متجاوز نیستیم و به این همه تجهیزات نیازی نداریم... ما قصد نداریم با هیچ کشوری وارد جنگ شویم.»

بدینسان ما با دو نظر کاملاً مخالف با یکدیگر از طرف دو مقام دولتی - هر دو مسئول، روبرو هستیم. لذا در برابر این سؤال حیاتی قرار گرفته ایم: آیا سیاست نظامیگری سابق (فرق نمیکند باجه جملات و استدلالی توجیه شود) ادامه خواهد یافت و یا این سیاست نظامیگری به سیاست مطلقاً تدافعی از مرزها و تمامیت ارضی کشور تغییر مییابد؟

ما بنام انقلاب ضد امپریالیستی ایران، بنام استقلال ایران، که مردم با نثار خون خود آنرا بدست آورده اند، از دولت موقت خواستاریم که باین سؤال پاسخ صریح بدهد، و اگر سیاست نظامیگری به سیاست تدافعی تغییر یافته، تمام مستشاران، کارشناسان و متخصصان نظامی امریکائی را از ایران اخراج نماید، قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا را، که زنجیر اسارت سیاسی - نظامی ایران است، ملغی اعلام دارد، تمام معاملات خرید اسلحه مافوق مدرن تجاوزی را که یکی از آنها معامله خرید ۸۰ فروند جنگنده اف-۱۴ است (تاکنون فقط تعدادی از آنها تحویل شده)، لغو نماید. بولی که بابت اینگونه اسلحه تجاوزی پرداخت شده و می شود، «سرمایه گذاری» نیست، به تاراج دادن دارائی مردم ایران، آن مردم غارت شده، آن زحمتکشان ایران، آن مستضعفینی است که هنوز در سرزمین زرخیز ایران بنان شب محتاجند. ما در انتظار پاسخ صریح و رسمی دولت هستیم.

# آیا واقعاً «فقط الرجال» است

از همه ترقی خواهان، میهن دوستان، آزادی خواهان، از هر فرد صالح و واردی که طرفدار انقلاب و مخالف با امپریالیسم است، باید استفاده شود.

آقای بازرگان نخست وزیر، در نطق رادیو تلویزیونی چهارشنبه گذشته، در مورد کارهای مورد نیاز کشور گفت که، کفگیر به تدریج خورده و در این فقط الرجال مادیگر کسی نداریم که برای اداره امور برگزینیم.

مسئله کادر رهبری کننده، مدیران و متخصصان، در هر کشوری مسئله مهمی است. در کشور ما، بعد از انقلاب و بدنبال ضرورت بی تردید تصفیه دستگاه دولتی و پاک سازی حتمی و قاطع پستهای حساس از عوامل دارودسته شاه مخلوع و سرسپردگان با امپریالیسم و طرفداران سرمایه داری وابسته و غارتگر، این مسئله بسی حادتر و حیاتی تر است. آقای نخست وزیر هنوز توان آنرا در خویشتن نیافته است که در میان اینهمه مردم صاحب صلاحیت و وارد مأمور و روشنفکران تحصیل کرده و میهن دوست و آزادی خواهی که با نهایت صمیمیت و ارادت با ما انقلاب، حاضر بخندم به خلق زحمتکش هستند، افراد مناسب و لازم را بیابد؛ ایشان هنوز نتوانسته اند که این نیروی عظیم و لایق را در بین خود مردم انقلابی ایران، در بین روشنفکران صدیق و صالح ما کشف کنند. و این موجب کمال تأسف است.

و اما علت این ناتوانی روشن است. ایشان در محدوده ای پس تنگ بدنبال مطلوب میگردند و بناچار، در میان اینهمه روشنفکر

خلقی درجه اول و مدبر لایق و انقلابی صادق و وارد، تنها پس از گزینش دوستان نافر، بگفته خودشان، کفگیرشان به ته دیک رسیده است! آیا این تسوین نسبت به همه نیروهای صدیق و کارآ، شایسته مدیریت و لایق برای خدمت با انقلاب نیست؟ آیا تنها همین اطرافیان و اقوام مورد اطمینان، شایسته اداره امور کشوری هستند که در انقلاب بزرگی میلیونها و دهها میلیون شرکت جستند و تظاهرات و اعتصابات بی درمقیاس جهانی کم نظیر و خیره کننده بود؟ البته اگر قرار باشد که قطب نمای انتخاب ما تنها گروه ویژه و بکلی انحصاری را نشان دهد، قدرت گزینش بیش از اینهم نخواهد بود. اما اگر پایه را بر مشارکت همه نیروهای مؤمن به انقلاب و ضد امپریالیست قرار دهیم و همه آزادی خواهان و ترقی خواهان را، که بسا آنهمه فداکاری و علاقه در بند خلق زحمتکش شرکت نمودند، بحساب آوریم و ملاحظاتی محدود نکنند و غیر واقع بینانه ایران را بگر میروند، کنار بگذاریم، با منظره بکلی متفاوتی روبرو خواهیم شد. اگر تنها دو ملاحظه را برگزینیم، اول آنکه شخصی برگزیده، صرف نظر از عقیده و نظر سیاسی و مسلک و تعلق سازمانی اش، معتقد به انقلاب و مخالف با امپریالیسم باشد و دوم آنکه در رشته مورد نظر صاحب صلاحیت وارد و کارشناس باشد، آنگاه خواهید دید که دیک استعداد و توانائی و شایستگی ایرانیان آنقدرها گود هست که به این آسانی کفگیر مسئولان به ته آن نرسد!

چه کسی میتواند چشم بر این واقعیت ببندد که بر اثر همین انحصار طلبی و خاصه خرجی نوع جدید، عملاً نیروهای بسیار فعال و کارآئی عظیم مانده اند، بهر ز میروند، از صلاحیت و تخصص آنها

استفاده نمیشود، تنها بساین علت که کفگیر انتخاب کننده دستگاه دولتی آنها را کنار میزند، راهشان نمیدهد، دل سردشان میکند؛ ما البته با دل سردی، خانه نشینی، کناره گیری، ترک صحنه و غرور شدیداً مخالفیم و برعکس فعالیت صمیمانه بسود خلق و انقلاب را در هر شرایط دشواری توصیه میکنیم. ولی در ضمن وقتی با چنین پدیده هایی در مورد روشنفکران خلقی و مترقی روبرو میشویم، میپرسیم: گناه از کیست؟ از مردم و روشنفکران انقلابی، یا از ملاکهای گزینش؟ آیا روش دولت نمیتواند در دراز مدت عواقب شومی برای ایران داشته باشد؛ محروم کردن کشور ما و انقلاب ما از اینهمه نیروی فسال انسانی، آنگاه، پس توان، متخصص، کاربر، مومن بخلق و مخالف با ضد انقلاب و با امپریالیسم، فقط و فقط بسرف آنکه دارای عقاید و نظریات سیاسی و اجتماعی دیگری هستند و همانطور که انقلاب ما بود، طیف وسیعی از انواع مکاتب و مسلکها را در بر میگیرند، آیا کار درست و انقلابی است؟

همانطور که انقلاب با وحدت همه نیروها پیش رفت، دفاع از انقلاب و ایجاد نهادهای مستحکم و کارآئی آن نیز تنها با چنین وحدت عمل نیروهای مختلف، ولی متحد امکان پذیر است. راه حل بنیادی و قاطع و دراز مدت این مسئله را در واقع باید در همان جنبه متحد خلق، در همان همکاری و عمل مشترک کلیه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی بدون استثناء و بدون انحصار و تبعیض جست. این راه بیک دولت انقلابی امکان خواهد داد که از همه این نیروها وسیعاً استفاده کند و برای اجرای یک برنامه مشترک، همه نیروهای عظیم انسانی ایران را که بواقع کارآ، متخصص، مدبر و شایسته هستند، بسیج کند و بکار بکشد و در راه خدمت با ما انقلاب و پیشبرد آن به فعالیت ثمر بخش وادارد. بسا این سلاح بر او خواهد دید که در مردم ما و روشنفکران ما استعدادها و توانائیها بقدری زیاد است که احتمال آنکه یک دولت انقلابی دچار «دشورای انتخاب» شود، بیشتر خواهد بود تا آنکه از درد «فقط الرجال» بنالد.





### داستان گفت و گوی نهضت مقاومت فلسطین و آمریکا

ابو ایاد، صلاح خلف، از رهبران سازمان الفتح اعلام کرد که خبر مربوط به گفت و گوی مقامات مسؤول امریکا و نماینده نهضت مقاومت فلسطین یک مانور دیپلماتیک است که از امریکا الهام می گیرد.

صلاح خلف، که با روزنامه السغیر، چاپ لبنان مصاحبه می کرد، گفت که به عقیده وی اگر امریکاییها وارد چنین گفت و گویی با فلسطینیها شوند، فقط بدین منظور است که پای نهضت مقاومت فلسطین را به تضمین پیمان صلح مصر و اسرائیل بکشانند.

ابو ایاد متذکر شده که رابرت اشتراوس بدین علت به ریاست هیئت امریکایی در گفت و گوهایی مربوط به خود مختاری کرانه غربی اردن وغیره انتخاب شده است که وی پیوندهایی با صهیونسم دارد و فرض این است که اسرائیل به انتخاب روش ملایم درباره سرزمینهای اشغالی و جلب رضایت انورسادات متقاعد شود.

### ... و تنها راه حل قابل قبول فلسطینیها

یاسر عفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین، مخالفت سازمان خود را با هر گونه گفت و گویی با امریکا اعلام کرد. وی این مطلب را در گفت و گویی با بروزر کریسکی صدراعظم اتریش بیان کرد.

کریسکی نیز قبلاً نظر دولت اسرائیل و خود را درباره وضع خاورمیانه اعلام کرد و گفت: «تنها راه حلی که قابل قبول برای فلسطینیها باشد، می تواند برای خاورمیانه مفید باشد.»

## درباره حوادث یاسوج

گزارشی که در زیر میخوانید پیرامون رویدادهای یاسوج به «مردم» رسیده است:

در روز دوشنبه ۳ تیرماه عدهای از طرف کمیته برای توقیف دو نفر از کارمندان به استناداری میروند، ولی با مخالفت شدید استاندار روبرو می شوند ( زیرا استنادار این کار را توهین قلمداد میکند) مأمورین کمیته به اجبار وارد استناداری شده دو نفر مزبور را توقیف می کنند. بطوریکه شایع بوده رئیس کمیته گویا کشیده ای هم به استنادار میزند و استنادار استعفا داده به طرف تهران حرکت می کند. مردم به پشتیبانی استنادار از ساعت حدود ۲ بعد از ظهر در مسجد بزرگ یاسوج اجتماع میکنند و انحلال کمیته و محاکمه ملک حسینی و برادرش را، که تمام مردم معتقد بودند عضو ساواک بوده اند، می خواهند.

عدهای از عشایر اطراف به پشتیبانی کمیته، که در رأس آنها ملک حسینی بوده، می آیند و عدهای دیگر به پشتیبانی مردم. تا صبح شهر در محاصره بود و چند تیراندازی کوچک شد و صبح هالی و کلیه ادارات یاسوج و دوگنبدان به پشتیبانی استنادار آمدند و مردم مجازات ملک حسینی (که معمم نیز هست) را میخواستند.

### شگردهای مائوئیستی

کارگران بروند، شاید این بار موفق شوند. خبر نگاران «مردم» گزارش میدهند که افراد خود را حفره های مختلف بیاموزند و برایشان کارت کارگری هم صادر میکنند تا بتوانند آنان را بجای کارگر جا بزنند. حتی مدتی است که ماشین بافندگی هم خریده اند و تعدادی از افراد خود را آموزش میدهند تا بتوانند بدرون سندیکی بافندگان سوزنی رخنه نمایند و بخرابکاری خود ادامه دهند.

## رفقا و دوستان گرامی توجه فرمائید

دفتر «مردم» و سایر ارگانهای تبلیغاتی و انتشاراتی و تشکیلاتی حزب توده ایران نیاز جدی و فوری به دوره روزنامهها و مجلات و نشریات حزب در زمان علنی بودن حزب، قبل از سال ۲۷ و همچنین در دوران قبل از کودتای ۲۸ مرداد و در سالهای پس از کودتادارند در حال حاضر ارگانهای مرکزی حزب، بویژه برای روشن کردن برخی مسائل گذشته و آگاهی به جزئیات راه درویشی که در هر مورد مشخص در پیش گرفته شده، یا برای آگاهی به رویدادهای گوناگون و موضعگیریهای شخصیتها و گروههای سیاسی مختلف و همچنین دستیابی بنوشته های رفقای شهید، باین جزایند و نشریات نیاز واقعاً حیاتی و بیچالش دارند. امیدواریم همه رفقای حزبی و دوستان حزب، با توجه لازم باین درخواست ما پاسخ دهنده دفتر «مردم» در خیابان ۱۶ آذر، روبروی دانشگاه فنی، شماره ۶۸، در انتظار همکاری فوری و مؤثر شماست

## چرا جنایتکار رژیم شاه مخلوع فقط به ۳ سال زندان محکوم شد؟

همزمان با اعتراض به حق بازپرسان دادگاه انقلاب به احکمی که اکنون، پس از تصفیه این دادگاهها، صادر میشود و ضد انقلابیون واقعی از بندرها میشوند، دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان درباره یکی از مهره های کارساز و جنایتکار ساواک حکمی صادر کرده است که تعجب و تأسف و اعتراض هر ایرانی وطنپرست را برمی انگیزد. نظیر چنین احکامی درباره جنایتکاران حوادث دوران انقلاب نجف آباد اصفهان نیز صادر شده بود که با عکس العمل شدید و بیجای مردم مواجه شد، بطوریکه بار دیگر مساله تجدید محاکمه آنها مطرح گردید. دادگاه اصفهان جمشید بزرگ زاده، کارمند ساواک را، که در دهها عملیات سرکوب شرکت داشته، به ۳ سال زندان محکوم کرده است. قبل از هر اظهار نظری درباره این حکم دادگاه انقلاب اصفهان، نگاهی کوتاه به اتهامات جمشید بزرگ زاده، که در دادگاه نیز بعنوان کیفرخواست قرائت شده، کافی است تا همگان بدانند که عدالت در این دادگاه رعایت نشده و اینگونه اغماضها در برابر ضداثقلابیون واقعی و سزاسپردگان جنایت پیشه رژیم سابق عملاً آب به آسباب ضد انقلاب ریختن و دلگرم کردن صدها و هزاران مأمور فراری ساواک رژیم سابق برای تشدید فعالیتها و اقدامات ضد مردمی و انقلابی شان است. طبق این کیفرخواست، جمشید بزرگ زاده، که تنها به ۳ سال زندان محکوم شده، متهم بوده است به: ۱- سرکوت در اکیه های ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ - کوروش - کرکس - عقاب - افشین و بابک سازمان امنیت و اطلاعات کشور (بی شک همه میدانند و در جریان محاکماتی که در تهران جریان داشت رسماً از سوی عمال ساواک اعلام شد که فعالیت این گروهها متمرکز بوده است در مبارزه علیه انقلابیون و سرکوب و شناسائی و دستگیری و شکنجه آنها) ۲- توقیف و ضبط ابزار کار انقلابیون، شناسائی آنها برای دستگیری، حمل اسلحه جهت مقابله با چریکها و سایر رژیمدگان انقلابی، شرکت در پراکندن اجتماعات دانشجویان در مسجد جامع نجف آباد، شرکت در تیمهای گشتی ساواک در شهر، عضویت در کمیته مشترک باصطلاح خرابکاری و بازرسی منازل. این مأمور ساواک، طبق کیفرخواست قرائت شده ۱۲ سال همکار تهرانی مدوم، رئیس امنیت داخلی ساواک بوده و در عملیات مقابله با انقلابیون و تیراندازی بسوی آنها، بازرسی اتوبوسهای مسافربری برای شناسائی عناصر انقلابی و دیگر اقدامات ضد مردمی شرکت داشته است. قضاوت درباره حکمی که صادر شده و اخلاص در کار انقلابی دادگاههای انقلاب و بیحق بودن اعتراض و نگرانی بازپرسان دادگاههای انقلاب درباره فرار جنایتکاران رژیم گذشته از مکافات را بعهد مردم باید گذاشت.

## کارزار وسیع برای خارج کردن امریکا از زیر ضربات انقلاب ...

در آوردن و ضایع کردن انقلاب ایران کار میکنند؛ هنوز نزدیک ۱۰۰۰ قرارداد نظامی و اقتصادی و سیاسی ایران و امریکا، که در شرایط اختناق و سیطره ارباب منشاءه امپریالیسم بر تمامی شئون مین ما، به ما تحمیل شده، یا در هواس است و برخی میکوشند با کنار هم گذاشتن این قراردادهای استعماری با قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی، که توطئه تقسیم ایران و تبدیل آنرا به مستعمره رسمی انگلیس نقش بر آب کرد، ماهیت این اسناد ایران برپا دهد را از مردم بپوشانند؛ هنوز کار کردن یا فلج شدن دهها و صدها کارگاه و کارخانه و مرکز تولیدی در گرو فرستادن یا نفرستادن وسایل و ابزار یدکی آنها از امریکاست؛ هنوز تأمین بخشی از نان و گوشت سفره کارگر و کشاورز ایرانی و تهیه شکر و برنج و صدها قلم محصول غذایی و کشاورزی ما به بازارهای امپریالیستی وابسته است، هنوز کارشناسان و مستشاران امریکائی که عامل اشغال خزننده و پویشنده ایران بودند و ارتش ما را بصورت زائده ارتش امپریالیستی و زاندارم خلقهای آزاد بخواند منطبقه آورده بودند، به تمامی از ایران اخراج نشده اند، هنوز چنان زمینه و فضای وجود دارد که فرمانده دژبان به ظاهر از سر «خبرخواهی»، خرید هواپیماهای جنگی جدید از امریکا را برای به اصطلاح دفاع از مرزهای کشور توصیه میکند و متأسفانه پاره های از مقامات مسؤول این دعوت به محکومیت ابدی در برابر امپریالیسم را، با پیشنهاد و برنامه خرید وسایل یدکی جنگ افزارهای امریکائی به نوعی دیگری صحنه میگذارند؛ هنوز دهها میلیارد دلار ثروت به نیما برده شاه فراری، صدها جاسوس ناشناخته امریکا و هزاران ایدای پنهان و آشکار ارتجاع و امپریالیسم در مراکز حساس، در نسوج اجتماعی و حتی در دستگاههای سازمانهای دولتی، برای بازگرداندن اوضاع سابق و فرسودن، غافلگیر کردن و ضربه زدن به انقلاب و مردم انقلابی، جنون آسا فعال اند.

در چنین فضای سرشار از بدخواهی و دسیسه گری، چگونه میتوان به مردمی که هشیاری آنها تنها سلاح آنهاست، گفت: آسوده باشید. امپریالیسم را ریشه کن کرده ایم. دیگر خطری از این سمت نیست؟

و به این رهنمود سراپا کذب و خطرناک اکتفا نکرد، بلکه آنرا با تحریف دیگری تکمیل کرد که: اگر از این پس خطری وجود داشته باشد، این خطر شوروی است... «وما اجازه نخواهیم داد که شوروی جای امریکا را در ایران بگیرد». عجیباً! این يك تردستی زیرکانه است یا فقط يك غفلت فاحش؟

اگر درست است که انقلاب ایران يك انقلاب ملی، یعنی ضد امپریالیستی است، اولاً وظایف آن نیز، تا وقتی که استقلال کشور با طرد کامل امپریالیسم و قطع همه ریشه های گندیده آن تأمین نشده است به پایان نمیرسد؛ و ثانیاً بی گریزترین دوستان خود را در میان بی گریزترین دشمنان امپریالیسم باید جست و جو کنند. هر کس به رشک، با هر عنوان و تحت هر بهانه بخواند این وظیفه را در آغاز راه، پایان یافته اعلام کند، به هیچکس جز امپریالیسم بسیاری نرسانده است. هر کس بخواند با هر دستاویز، زیر هر لوای با هر نوع استدلال، مناسبات تحمیل شده امپریالیسم را لاپوشی کند و به توجیه آن بپردازد و یا بنحوی ادامه آنرا توصیه کند، دشمن انقلاب ضد امپریالیستی ما و سنگ راه آنست. حسن نیت و سوء نیت در این راه چیزی را تغییر نمیدهد، چرا که به قول آن فرزانة انقلابی: «راه جهنم با حسن نیت سنگ فرش کرده اند...»

با این مرزبندی، سخنان پر معنی حجت الاسلام غفاری در هفته گذشته، بعنوان يك موضع گیری مشخص در این کارزار وسیع، که وجوه مشترک زیادی با بسیاری از برداشتها و تبلیغات و سیاستهای رسمی و غیر رسمی دارد، برجستگی خاصی می یابد. حجت الاسلام غفاری خطاب به خانواده های مجاهدین خلق، که در دادگستری متحصن شده بودند گفت:

«ما که امریکا را بیرون کرده ایم نمی خواهیم شوروی بجای آن بیاید.»

این موضع گیری و نظایر آن از دوسو در چشم انقلاب ایران خاک می باشد و آنرا به بیراهه میکشد؛

۱- چنین برداشتی القاء کننده این نظر است که انقلاب ایران خطر امریکا را از سر گذرانده و دفتر این هیولای هزارس را بسته است، در حالیکه میدانیم جبهه اصلی نبرد برای انقلاب ما جبهه نبرد با امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم امریکاست. نبرد در این عرصه به آغاز خود بسیار نزدیکتر از پایان خویش است. هر گامی که انقلاب به جلو برمی دارد، این کارزار شدیدتر، بفرنج تر و حیاتی تر میشود.

۲- راندن امپریالیسم چهار نخوار امریکا و اتحاد شوروی به يك چوب، قراردادن آنها در کنار هم و تبلیغ این پندار که این هر دو به یکسان در کمین انقلاب ایران و آماده بلمیدن آن هستند، لوث کردن واقمیت است. عوض کردن جای دوست با دشمن، محروم کردن انقلاب از حمایت دوستان واقعی آن، گمراه کردن خلق های ما در تشخیص خطر عده ای است که در وجود امپریالیسم در نرسد و غارتگر امریکا، تمامی نیروی خود را علیه آنها بسیج کرده است. این نوع جبهه گیری و سمپاشی را اگر نخواهیم مغرضانه، هدایت شده و دست پخت محافل آنچنانی بخوانیم، باید آنرا اشتباه سهوا آمیزی بدانیم و ریشه اش را در نا آگاهی و قشریت سیاسی ببینیم. و در هر دو حال، این گونه اظهارات و قضاوتها تنها آب به يك آسیاب میریزد، امپریالیسم...

روی این معنی کمی مکث کنیم، در شرایطی که تشکیل جبهه متحدی از همه نیروهای خلقی برای حفظ دستاوردهای انقلاب و پیش تازاندن آن مبرم ترین نیاز انقلاب است و تشکیل چنین جبهه ای جز با درک اهمیت و عظمت خطر امپریالیسم و مبارزه پی گیر و همه جانبه با آن مومس نیست، طرح این ادعا که امپریالیسم یا نکی را از کشور بیرون انداخته ایم و گویا طومار آنرا در هم پیچیده ایم، جز اینکه امریکا را از زیر ضربه بیرون بکشد و به مردم و مبارزان بسیج شده ضد امپریالیست آسودگی خیال دهد، چه نتیجه ای ببار می آورد؟

امپریالیسم همجا بصورت آشکار و نهان در کمین نشسته است. تشکیل نیروی ۱۰ هزار نفری امریکا جهت اعزام به آقیانوس هند و خلیج فارس، به گمان هیچ ساده لوحی تدارک يك مهمانی حسن- نیت نیست. این لشکر کشی عظیم و پر خرج پاسخ عملی امپریالیسم به انقلاب ضد امپریالیستی ایران است که تمایل نیروها را در پیش حساسی از جهان بهم ریخته و آثار ناشی از آن تازه در راه است. هنوز پالیزبانها و ادریسیها به پشت گرمی و تحریک مستقیم امریکا در غزب کشور سرگرم آتش افروزی و توطئه چینی مسلحانه اند؛ هنوز قابلیها و صدها کارشناس و جاسوس فراری ساواک در مصر و اسرائیل شبا هر روز روی انواع نقشه های خرابکارانه برای گمراه کردن، به زانو

# دریا

چشمه را نیست پیامی به جز این با دریا  
 که کند قطرهٔ ما، عزم سفر، تا دریا  
 قطره‌ها جوی شد و رود شدند آنهمه جوی  
 و آنهمه رود نیامیخت، مگر با دریا  
 حزب ما، زنگی از آلودگی نیست به لوح  
 آری آینهٔ صافیت سرا پا دریا  
 نهفت ما، به تویی مغز چه خواهد کرد؟  
 با حجاب آن کند آخر که به خارا دریا  
 کوه، حیران، که پس از آنهمه توفان به محیط  
 هرچه دیدیم دگرگونه شد، الا دریا  
 تند باد از خس و خاشاک نسانی نگذاشت  
 ساحل آرام شد و ماند مصفا دریا  
 آفتاب ظفر از مشرق امید دمید  
 باشد از پرتو این مهر، چه زیبا دریا  
 صدفی را صدفی داد بشارت که هنوز  
 موج، موجست و گهر، گهر و دریا، دریا  
 تیر ۱۳۵۸ - موج

## ندای حزب کمونیست لبنان به افکار عمومی جهان

خطر آوارگی و مرگ هزارها نفر از مردم لبنان را در جنوب این کشور تهدید میکند. جنوب لبنان باز به صحنهٔ جنایات اسرائیل و نوکران آن مبدل می‌شود. در هفته‌های اخیر، اسرائیل با استفاده از نیروهای نظامی زمینی، دریایی و هوایی، شهرها و روستاهای جنوب لبنان را بمباران و موشک‌های خود را بسوی اهالی بیگناه، چه لبنانی و چه فلسطینی، پرتاب کرد و به مناطق صنعتی آسیب فراوان رساند. هواپیماهای جنگی هر روز به حریم هوایی لبنان از جنوب تاشمال رخنه میکنند و آبهای لبنان را زیر تسلط خود قرار میدهند. این روش، هدف آنها را برای قانونی جلوه دادن حضور خود در لبنان و همچنین انجام سیاست خود مبنی بر اعلام جنگ بر ضد خلق فلسطین، در هر نقطه که باشند تأمین می‌کند. مردم شرافتمند جهان! از شما پنهان نیست که یکی از اهداف سیاست کنونی اسرائیل بر ضد مردم لبنان اینست که، بوسیله ماشین جنگی خود، برای ملحق شدن لبنان به دسیسه سادات و بگین و تحمیل صلح توهین آمیز بر ملت ما فشار وارد آورد، و این با منافع ملل عرب بطور کلی و حقوق خلق عرب فلسطین بطور اخص در تضاد است. این تجاوزات مؤید سیاست ترور و توسعه طلبی

## بجای تهدید ارتشیان انقلابی، ارتش را تصفیه کنید

همافران نیروی هوایی که به توقف کار حیاتی تصفیه در ارتش و بازگشت جو اهل رژیم گذشته بر مسند ارتشی اعتراض دارند، اعلام داشتند که تصحیح مشروط خواهند کرد. آنها در جریان همین اعتراض، به اظهارات و اعمال فرماندهان دربار مرکز نیز اعتراض دارند. ما صرف نظر از نحوه اعتراض و شکل ظاهری عمل ارتشیان در اعتراض به فل و انفعالاتی که در ارتش صورت میگیرد، این خواست منطقی گروههای انقلابی دوران ارتش را تأیید میکنیم که ارتش هر چه زودتر

اسرائیل است. پشتیبانی اسرائیل از نوکر خود سعد حداد، برای اعلان دولت خود در سحدات اسرائیل، مثالی بر سیاست توسعه طلبانه اسرائیل و کوشش آن برای تقسیم لبنان و سپس اعمال تسلط کامل خود بر مناطق جنوبی و پشتیبانی از نیروهای فاشیست لبنانی است.

هدف این تجاوزات اینست که تصمیمات شورای امنیت را مبنی بر خروج تمام نیروهای اسرائیل از زمینهای جنوب و برقراری حکومت قانونی در تمام سرزمین لبنان، در چهار چوب مرزهای شناخته شده بین المللی، بی اثر کند.

هدف تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان اینست که زمان اقامت نیروهای صلح بین المللی در لبنان را بدر از اکتشاف و از هر کوششی برای حفظ وحدت و استقلال لبنان جلوگیری کند. مردم شرافتمند جهان! در لحظه کنونی که خلق لبنان با نیروهای انقلاب فلسطین در نبردی شجاعانه بر ضد تجاوز اسرائیل درگیر و بادسیسه امپریالیسم، سادات و صهیونیسم مواجه هستند، از شما می‌خواهیم که از مبارزه عادلانه ما پشتیبانی و همبستگی خود را اعلام کنید. پشتیبانی شما از مبارزه عادلانه خلق ما اهمیت بسیار دارد، چون این امر با کوشش‌های ملل جهان برای جلوگیری از تجاوز و خاموش کردن کانون‌های خطرناک ضد صلح در منطقه و در جهان نقش مهمی ایفا می‌کند. همچنین این همبستگی برای حفظ استقلال لبنان و حمایت از خلق عرب فلسطین اهمیت زیادی دارد.

مردم شرافتمند جهان!  
 - صدای خود را برای همبستگی با مبارزه آزادی-  
 خواهانه خلق لبنان و جنبش میهنی آنها بلند کنید.  
 - تجاوز اسرائیل به لبنان و بطور اخص به جنوب آن را محکوم کنید.  
 - دسیسه امپریالیستی سادات و صهیونیسم علیه ملت ما و خلق فلسطین را فاش کنید.

## امریکا از ضدانقلاب در افغانستان حمایت میکند

پاره‌ای از محافل، سیاستمداران، رهبران و افرادی که نوعی خود را سهم در پیروزی انقلاب میدانند درباره امریکا اظهار نظرهای میکنند که گاه واقعا باعث تعجب و تأسف می‌شود. این اظهار نظرها گاه توأم با دعوت از امریکا و گاه پشتیبانی از وابستگی‌های نظامی و غیر نظامی ایران به امریکاست. در مورد دوم به صراحت میتوان به اظهارات وزیر امور خارجه و نخست وزیر دولت موقت در باره قراردادهای نظامی به امریکا و خرید و وسائل

یدکی تجهیزات نظامی خریداری شده از امریکا اشاره کرد که این روزها مورد بهت میلیون‌ها ایرانی است که مستقیماً در پیروزی انقلاب نقش داشته‌اند و اکنون از خود میپرسند، در حالیکه امام خمینی بی‌وقفه روی قطع پیوند ایران با امریکا که روابط ظالم با مظلوم است، تکیه میکند، چرا برخی مقامات دولتی از حفظ پیوندهای نا برابر بین ایران و امریکا دفاع میکنند؟

اما در مورد نخست، که بی ارتباط با مورد دوم نیست، باید به اظهارات آیت الله قمی در مصاحبه با سردبیر مجله امریکائی جی. ای. اشاره کرد. این اظهارات، در آنجا که مربوط به دخالت در امور داخلی افغانستان و باعث تشنج در مرزهای ایران و تیرگی روابط حسن همجواری بین دو دولت انقلابی ایران و افغانستان میشود، باعث تعجب و تأسف هر ایرانی میهن دوست و با حسن نیت است. ایشان اعلام داشته‌اند که اگر امریکاز حقوق بشر دفاع میکند، چرا در جریان کشتار وحشیانه مردم افغانستان سکوت اختیار کرده

است؟! ما جدا از این مسأله، که با توجه به این واقعات انتظار مردم ایران اینست که به دخالت امپریالیسم آمریکا در امور داخلی افغانستان و بتوسطه فئودالها و مروجین افغانی علیه دولت ملی و دمکراتیک افغانستان اعتراض شود، نه اینکه با این نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی علیه خلق افغانستان همدستی شود.

# آیا روزنامه آیدگان «بیطرف» است؟

آیا روش بیطرفی حکم نمیکرد که در قبال این مقالات، فقط یکی از مقالات حزب درباره سیاست مطبوعاتی ما چاپ شود تا خواننده خود قضاوت کند؟

### برخورد با شهدای حزب توده ایران

برخورد «آیدگان» با شهدای حزب توده ایران هم، که مانند همه شهدا، به خلق ایران تعلق دارند، به سبک خاصی است. ابتدا در سال روز مراسم سیاهکل، «آیدگان» رفقای شهید تورج جهری بیگوند و رحیم شیخ زاده را، که از جریک‌های فدائی خلق همراه گروهی به حزب ما پیوسته بودند، «پورتوئیست» خواند. بعد سعی کرد شهدای حزب ما را، یا از رهبری حزب یا از خود حزب جدا کند. هنگام برگزاری مراسم رفیق شهید خسرو روزه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، روزنامه آیدگان، هم در خیر صفحه اول پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت و هم در ستون یادشیدان در دوم خرداد، روزه را «عضو صدیق و مبارز حزب توده» معرفی کرد.

در سال روز شهادت ۵ رفیق حزبی ما در دوم خرداد، در ستون یاد شهدای، آنها را چنین معرفی کرده «محمد اقدام دوست، عضو کمیته ایالتی گیلان»، «علی بلندی، عضو کمیته ایالتی و سازمان جوانان شهرستان رشت» که البته این دو رفیق عضو کمیته ایالتی و سازمان جوانان حزب توده ایران بوده‌اند و «آیدگان»، حزب توده ایران را حذف کرده است.

پنج شهید کارگر و دهقان حزب ما در روز ۲۹ خرداد در بابل و شهادت رفیق فریدون ابراهیمی در اول خرداد هم در «آیدگان» نادیده گرفته شد. اما چون این روش درباره رفقا تیزابی و حکمت جو قابل اجرا نبود، روش دیگری بکار برده شد. از این دو شهید قهرمان در ستون یاد شهدای، که در آن سابقه و تعلق سیاسی و مبارزاتی شهدا شرح داده میشود، یادی نشد و تنها خبر خلاصه مراسم سالروز شهادت این دو رفیق، البته بدون عکس، در «آیدگان» به چاپ رسید.

ما فعلاً به ذکر همین مثال‌ها بسنده می‌کنیم و با توجه به اعلام «بیطرفی» و «استقلال» از طرف روزنامه «آیدگان» قضاوت را درباره روش «بیطرفانه» و «مستقل» این روزنامه به همه خوانندگان، از جمله خوانندگان «آیدگان»، می‌گذاریم.

دادگاههای ضد انقلاب، بر خورد علمی و انتقادی میکنند، «آیدگان» در ستون «پایان هفته» خود (۷ تیر - صفحه ۱۶) وقتی در این باره بعنوان «از مهم‌ترین حوادث بعد از انقلاب حرف می‌زند»، می‌نویسد که هیچ روزنامه‌ای غیر از «پیغام امروز» و «آزادی» متوجه این مطلب نشد. به همین چند مثال بسنده کنیم و بگوئیم که «چشم بستن» بر اخبار حزب توده ایران، سیاست عمده خبری «آیدگان» است.

اما یکبار تناور حزب ما، چنان در اجتماع حضور دارد که «چشم بستن» بر این حضور گاه حتی برای تلویزیون هم ممکن نیست. در چنین شرایطی سیاست دیگری «رو» میشود و جالب اینکه «آیدگان» که تلویزیون را بعلت وجود سانسور و اختناق در آن بشدت «محکوم» می‌کند و حتی در بالای صفحه اول خود جای خاصی را به اخبار ضد تلویزیونی اختصاص داده است، در مورد حزب ما کم و بیش سیاست تلویزیون را اجرا میکند. این سیاست استفاده از سمپاشی و افترای مائوئیست‌ها علیه حزب توده ایران است، که در واقع «آیدگان» با چاپ مقالات آنها، که در نشریات خودشان خوانندگان انگشت شماری دارد، تیراژشان را افزایش میدهد.

این سیاست، ظاهراً از وقتی شروع شد که حزب ما، از برخی از روشهای چپ‌نمایانه برخی روزنامه‌ها و از جمله «آیدگان» انتقاد کرد. «آیدگان» که بایک تلفن و یایک مطالعه عادی میتواند از یکی از اصول سیاست حزب ما، که دفاع از آزادیهای دمکراتیک و از جمله آزادی مطبوعات است و بارها در اسناد حزب و همچنین روزنامه «مردم» اعلام شده است، باخبر شود، (بفرض آنکه بی‌خبر باشد) ابتدا خبر کادلا تحریف شده‌ای را از قول خبرنگاری فرانسه، در صفحه ۱۲ - شماره پنج خرداد خود، در ستون «ایران از نگاه جهان» چاپ کرد و بدنبال آن، در ستون «زمین مطبوعات» خود، بطور پیکین به چاپ مطالب سزاوار دروغ مائوئیست‌ها و ترسکیست‌ها علیه حزب ما پرداخت، باین ترتیب،

۵ خرداد مقاله‌ای از «کارگر»، ۱۰ خرداد از «پیکار»، ۲۳ خرداد از «اتحاد چپ»، ۲ تیر از «پیکار خلق»، ۱۰ تیر از «حقیقت».

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق